فلسفهٔ تفاوت‌های جنسیتی از منظر عدل الهی ـ نهله غروی نائینی، راحله کاردوانی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال چهاردهم، شماره ۵۵ «ویژه عدل الهی»، تابستان۱۳۹۶، ص ۸ – ۲۵

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

فلسفهٔ تفاوت‌های جنسیتی از منظر عدل الهی

نهله غروی نائینی*
راحله کاردوانی**

چکیده: بحث «عدل» از مباحث گسترده و پردامنه در فرهنگ اسلام و از ضروریات مذهب شیعه به شمار می‌رود. از دلایل مهم این امر، تأکید فراوان قرآن کریم بر معیار و میزان بودن «عدل» در ساحت‌های مختلف اعتقاد، اخلاق و عمل، در اقسام الهی و انسانی است. «عدل الهی» در زمرهٔ صفات خداوند است که براساس آموزه‌های قرآنی، در دو نظام تکوین و تشریع تسرّی یافته است. یکی از مباحث بنیادین که در ارتباط با «عدل الهی» همواره مورد سؤال و سنجش قرار می‌گیرد، بحث از «فلسفهٔ تفاوت‌ها» است از جمله تفاوت‌های جنسیتی که از انواع تفاوت‌های غیرقابل انکار موجود در نظام آفرینش موجودات است و در مورد انسان، دارای منشأ طبیعی و تکوینی، و آثاری اجتماعی و تشریعی است و به این دلیل، اهمیتی دو چندان یافته است. این پژوهش، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، به بررسی فلسفهٔ این تفاوت‌ها در نظامات تکوین و تشریع، از منظر عدل الهی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: عدل الهی؛ تفاوت جنسیتی؛ تناسب؛ عدالت تکوینی؛ عدالت تشریعی.

* استاد دانشگاه تربیت مدرس
** دانشجوی دکتری مطالعات زنان- حقوق زن در اسلام، دانشگاه تربیت مدرس rahelekardavani@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

مقدمه

«عدل» از مفاهیمی‌است که به دلیل معانی و کاربردهای متعدد، از جوانب متفاوتی ممکن است مورد بررسی و تحلیل واقع شود. بطوری که می‌توان به بررسی جایگاه و مختصات آن به عنوان یکی از صفات باری تعالی، یکی از اصول بنیادین مذهب تشیع، یکی از قواعد عام فقهیّه، یکی از موازین قانون‌گذاری، یکی از شروط شایستگی برای امامت، رهبری، قضاوت، شهادت و ..، یکی از وظایف حاکمیتی و نیز یکی از آرمان‌های اجتماعی و اخلاقی جوامع بشری پرداخت. اما باید گفت، آنچه وجه مشترک تمامی این موارد به شمار می‌آید، ویژگی ملاک و میزان بودن عدل در آنها است. آنگونه که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «العَدلُ مِلاکٌ؛ عدل، مقیاس و ملاک همه چیز است.» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ص ۹۹) چرا که «العَدلُ یَضَعُ الامورَ مَواضِعَها؛ عدل، هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد.»(نهج‌البلاغه، کلمات قصار، کلمهٔ ۴۳۷)

سخن از «عدل الهی» در حقیقت، پرداختن به مفهوم «عدل» در جایگاه یکی از صفات خداوند متعال است که مبنای قیام به قسط در نظام آفرینش- اعم از عرصه‌های تکوینی و تشریعی- می‌باشد و در فرازهایی از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. مانند آیهٔ هجدهم از سورهٔ مبارکهٔ آل عمران که می‌فرماید: « شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لاَ إِلَـهَ إِلاَّ هُوَ وَالْمَلاَئِكَةُ وَأُوْلُواْ الْعِلْمِ قَآئِمَاً بِالْقِسْطِ / خداوند و نیز فرشتگان و دانشمندان به یکتائی‌اش گواهی دهند. خدایی که برپادارنده عدل است.»

بحث از «عدل الهی» می‌تواند در گستره و با محوریت موضوعات متفاوتی صورت گیرد. یکی از موضوعات مهمی‌که در این راستا مطرح است، بحث از تفاوت‌های طبیعی میان موجودات و به ویژه انسان‌ها و آثار این تفاوت‌های اجباری و ناخواسته، بر کیفیت حیات آنها می‌باشد. عارضهٔ «جنسیت» به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی تمایز طبیعی انسان‌ها در حیات مادّی، سلسله تفاوتهایی را در کارکردها، حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد ایجاد می‌کند که موجب ایجاد سؤالات و شبهاتی از منظر «عدل الهی» می‌شود. به این تفاوت‌ها که ناشی از تمایز انسان‌ها از نظر ذکورت و انوثت می‌باشند و در ساحت‌های تکوینی و تشریعی تسرّی یافته‌اند، تفاوت‌های جنسیتی اطلاق می‌شود. بررسی فلسفهٔ این تفاوت‌ها، از منظر عدل الهی، با

رویکرد قرآنی، هدف این پژوهش می‌باشد. در این راستا، لازم است به دو سؤال اصلی، پاسخ داده شود: اول: مؤلفه‌های عدل الهی از دیدگاه قرآن کریم کدامند؟ و دوم: براساس این مؤلفه‌ها، فلسفهٔ تفاوت‌های جنسیتی در ساحت‌های تکوین و تشریع چیست؟

۱- عدل الهی؛ مفاهیم و مؤلفه‌ها

۱-۱- معانی و کاربردهای لغت «عدل»

برای مفهوم «عدل» در لغت عرب عمدتاً بر مبنای مفاهیم مخالف و شئون و کاربردهای متفاوتش، معانی مختلفی مطرح شده است که به اجمال، عبارتند از:

الف) إستواء، مساوات، تقسیط علی سواء، یسوی بالآخر بالکیل و الوزن و ضدّ الاعوجاج (ابوالحسین، ۱۴۰۴ق، ج۴: ص۲۴۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۲: ص۳۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۵۵۱): به معنای برابری، برابرکردن، تقسیم به مساوات و برابر با دیگری در کیل و وزن است که در برابر مفهوم اعوجاج یا نابرابری قرار دارد.

ب) الحُکْم بالحق و ضدّ الجَور یا نقیض الجَوْر (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ص۴۳۰؛ واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ص۴۷۱؛ ابوالحسین، ۱۴۰۴ق، ج۴: ص۲۴۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۸): به معنای حکم یا رأی بر مبنای حقیقیت و واقعیت که در برابر مفهوم جور یا ظلم قرار دارد. و نیز ابن منظور در همین معنا آورده است: «في أسماء الله سبحانه: العَدْل، هو الذي لا یَمِیلُ به الهوی فیَجورَ في الحکم» (همان): عدل در جایگاه صفت حق تعالی، به معنای عدم تمایل به میل و هوی در حکم دادن است.

ج) هو الأَمْرُ المُتَوسطُ بَیْن الإفْراطِ و التَّفْریطِ أی تَوَسُّطُ حالٍ بین حالَیْن في کَمٍّ أو کَیْف (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ص۴۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۱۱: ص ۴۳۳): به معنای توازن یا امری وسط در میان بیشترین و کمترین حد – اعم از کمّ و کیف – است.

د) الفِدیه، قِیمة الشیء و فِدَاؤُه (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۱: ص۴۳۰؛ ابوالحسین، ۱۴۰۴ق، ج۴: ص۲۴۶): به معنای فدیه یا ارزش برابر با شیء است.

د) ما یَعْدِلك عندنا شیءٌ أي ما یقَع عندنا شیءٌ مَوْقِعَك (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۱: ص۴۳۲) : عدم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

رعایت عدل آن است که شیء در محل نامناسب یا موقعیتی غیر از موقعیت خود قرار بگیرد. لذا با بهره‌گیری از مفهوم مخالف می‌توان گفت؛ تناسب موقعیت با ویژگی‌های شیء یا قرار دادن شیء در موضع خاص خودش، یکی از معانی عدل به شمار می‌رود.

تعاریف مطرح شده، عمدتاً برآمده از مفهوم و کاربرد واژۀ «عدل» و واژگان مرتبط با آن مانند «قسط»، «قسطاس»، «میزان»، «موزون»، «إستواء»، «تسویه» و «وسط» در قرآن کریم می‌باشد. برخی از این کاربردها عبارتند از: عدل در صدور حکم و حاکمیت (نساء/۵۸، مائده/۹۵، شوری/۱۵)، عدل در قول (انعام/۱۵۲)، عدل به عنوان شایستگی لازم در ازدواج مجدد (نساء/۳)، عدل به معنای فدیه (بقره/۴۸ و۱۲۳)، عدل در ادای شهادت (مائده/۱۰۶، طلاق/۲) عدل به معنای شرک (انعام/۱، نمل/۶۰)، عدل در جایگاه صفت باری تعالی (آل عمران/۱۸، انعام/۱۱۵)، عدل به معنای توازن و تعادل (انفطار/۷)، عدل به عنوان شرط لازم در ایجاد صلح و آشتی (حجرات/۹) و در معاملات (اعراف/۸۵) و ....

تبیین مفهومی «عدالت» در دیدگاه برخی از اندیشمندان نیز، براساس رویکرد قرآن کریم صورت گرفته است و عمدتاً معانی «توازن و تعادل»، «تساوی و نفی تبعیض»، «رعایت حقوق انسان‌ها و إعطاء هر حقی به ذی حق آن»، «میانه‌روی یا اجتناب از افراط و تفریط» و «اجتناب از پیرویِ هوی و هوس در رفتار و گفتار» در این راستا بیان شده است. (مطهری، ۱۳۷۲: صص۵۴-۵۷؛ طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۲، صص۴۷۷-۴۷۸ ؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ص۱۶۱؛ قرائتی، بی‌تا: ص ۸۸)

۱-۲- مؤلفه‌های «عدل الهی»

براساس فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبۀ ۲۰۵ نهج‌البلاغه، «عدالت» یکی از صفات ذاتیۀ حق تعالی می‌باشد. حضرت می‌فرمایند: «وَ اشهدُ إنّه عدلٌ عَدَلَ وَ حُکمٌ فَصَلَ: و گواهی می‌دهم که خداوند عین عدل است و عین حکمیت بین حق و باطل است.»

بر این مبنا، «عدل الهی» به معنای صحیح و در همۀ مظاهرش این است که صفات ذاتیۀ خداوند موجب رفتار حکیمانه و عادلانه می‌باشد و هیچ صفتی که اقتضای ظلم و ستم یا لغو و عبث را داشته باشد در او وجود ندارد.(مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸: ص۱۶۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

این صفت در شئون متفاوت خالقیّت و ربوبیّت حق‌تعالی با ابعاد متفاوتی، بروز و ظهور دارد. در قرآن کریم، تکوین و آفرینش هستی مبتنی بر عدل به معنای میزان یا تناسب ترسیم شده است. آنجا که می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (انفطار/۷): آن خدایی که تو را آفرید و سپس تعدیل و متوازن نمود.» و «وَالسَّمَاء رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ (الرحمن/۷): آسمان را رفیع گردانید و میزان را در عالم وضع فرمود.» صاحب المیزان، ذیل این آیهٔ شریفه آورده است: «در عدالت به هر کسی سهم بایسته داده می‌شود و بنابراین همگان در رسیدن به سهم خود و قرار گرفتن در جایگاه بایستهٔ خود برابر می‌شوند.» (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۲: ص ۳۳۱)

به اعتقاد استاد مطهری نیز، تصریح قرآن بر اینکه نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن استوار است، به معنای خلق هستی براساس استحقاق‌ها و قابلیت‌ها می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۲: ص۳۵) ایشان مصداق عدل الهی در شأن خالقیّت حق تعالی را اینگونه توصیف می‌کند: «عدل الهی، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد می‌باشد.» و در توضیح این تعریف آورده است: «هر موجودی در هر مرتبه‌ای که هست از نظر قابلیت استفاضه، استحقاقی خاص به خود دارد. ذات مقدس حق که کمال مطلق و خیر مطلق و فیاض علی‌الاطلاق است، به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود، عطا می‌کند و امساک نمی‌نماید.» (همان: ۵۷) براساس این نظریه، عدل الهی در نظام تکوین، یعنی هر موجودی هر درجه از کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد، دریافت می‌کند. این مفهوم برآمده از فرازهایی از قرآن کریم می‌باشد. مانند آیهٔ ۵۳ از سورهٔ مبارکهٔ طه که می‌فرماید: «ربَّنَا الَّذی أعطی کُلَّ شَیءٍ خَلقَه ثُمَّ هَدی: پروردگار ما به هر موجودی آن بهره از خلقت داد که شایستگی آن را داشت و سپس آن را در راهی که باید برود راهنمایی کرد.» همچنین قرآن در بیان ظرفیت‌ها و استحقاق‌های طبیعی، به آب باران که از بالا می‌ریزد و تدریجاً سیل تشکیل می‌دهد و آب در بستر نهرها و جوی‌ها و رودخانه‌های مختلف قرار می‌گیرد مثل می‌زند و می‌فرماید: «أَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا (رعد/۱۷): خدا از آسمان آبی فرود آورد و هر رودخانه‌ای بقدر ظرفیت خودش سیلان یافت.»

در این تصویر، عدل خداوند عین فضل و جود اوست یعنی عدل خداوند عبارت است از اینکه خداوند فضلش را از هیچ موجودی در حدّی که امکان تفضل به آن موجود باشد دریغ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

نمی‌دارد.

اما در عالم تشریع، «عدل الهی» در معنا و مفهوم مخالف «ظلم» به کار رفته است. «عدل تشریعی» یعنی در نظام جعل و وضع قوانین و تعیین حقوق و مسئولیت‌ها، همواره اصل عدل، رعایت شده و می‌شود. (همان: ص۳۶) در قرآن کریم تصریح شده که حکمت بعثت و ارسال رسل این است که عدل و قسط بر حیات بشر حاکم باشد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵): همانا فرستادگان خویش را با دلائل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان فرستادیم تا مردم بدین‌وسیله عدل را به پا دارند.»

بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم، مؤلفه‌های «عدل الهی» در نظام تشریع را می‌توان در چهار مقام ارزشمندی، تکلیف، قضاوت و جزاء بررسی نمود.

مؤلفهٔ اول: ارزشمندی

ارزشمندی و برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر در پیشگاه خداوند که متّصف به صفت «عدل» می‌باشد، منوط به ملاکاتی است که برآمده از تفاوت‌های تکوینی و جبری نبوده، بلکه حاصل دستاوردهای اختیاری انسان در مسیر هدایت می‌باشد. به این معنا که همهٔ انسانها در منظر حق تعالی از هر جهت یکسان و برابرند و هیچ انسانی نزد او بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا. (حجرات/۱۳)

همچنین بحث از ملاکات ارزشمندی در دیدگاه اسلام را می‌توان در سلسله آیاتی جستجو کرد که به شیوهٔ استفهام انکاری، بر تفاوت گروه‌های مختلف در پیشگاه خداوند بر مبنای معیارهایی که فطرت و عقل آدمی‌تأکید می‌کنند، اشاره دارند. مانند آنکه می‌فرماید:

«أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (ص/۲۸) آیا مؤمنین و کسانی را که عمل شایسته انجام می‌دهند مانند مفسدین قرار داده و آیا متقین را همچون فجّار و جنایتکاران قرار می‌دهیم؟»

«أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (قلم/۳۵) آیا مسلمانان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟»

«أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ (سجده/ ۱۸) آیا مؤمن و فاسق یکسانند؟ نه، برابر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

نیستند.»

«أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُواالصَّالِحَاتِ (جاثیه/ ۲۱) آیا گناهکاران گمان دارند که ما آنها را همچون مؤمنین و کسانی که عمل صالح انجام داده‌اند قرار می‌دهیم؟»

بر این اساس، قرآن کریم امتیازات موهوم ساختهٔ اجتماعات بشری را در تعیین ارزشمندی انسان‌ها نفی، و بر امتیازات حقیقی همچون ایمان، اسلام، عمل صالح و تقوا تأکید می‌کند.

مؤلفهٔ دوم: تکلیف

در مقام تکلیف، حکمت و عدل الهی اقتضاء می‌کند که از یک سو وضع تکالیف و جعل قوانینی که سعادت انسان در گرو آن است صورت گیرد و از سوی دیگر، هیچ انسانی به عملی که بیش از طاقت و استطاعت اوست مکلّف نشود. ارسال رسل همراه با کتاب و میزان (حدید/۲۵)، در راستای تحقق بُعد اول از این مؤلفه است. لذا به طور کلی، اصول نبوّت و امامت که از اصول بنیادین مذهب تشیّع به شمار می‌روند، ضامن رهبری انسان‌ها در مسیر هدایت بوسیلهٔ جعل قوانین و تشریع حقوق و مسئولیت‌ها می‌باشند. همچنین، خداوند به صراحت در قرآن کریم بر این اصل عقلی تأکید کرده است که هر انسانی را به اندازهٔ استعداد و اقتضای وجودی‌اش مکلّف ساخته است. می‌فرماید: «لا یُکلِّفُ اللهُ نَفساً إلّا وُسعَها (بقره/۲۸۶): خداوند هیچ کس را جز به اندازهٔ طاقتش مکلّف نمی‌کند.»

مؤلفهٔ سوم: قضاوت اعمال

پس از ابلاغ قوانین، مرحلهٔ قضاوت اعمال انسان‌ها فرا می‌رسد. چرا که در صورت عدم وجود دادرسی و جزاء نسبت به اعمال، حکمت شارع مورد تردید است. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبهٔ ۲۱۴ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «فَلَم یُجزَ فِی عَدلِهِ وَ قِسطِهِ یَومئِذٍ خَرق بَصرَ فِی الهَواء وَ لاهَمسَ قَدَمَ فِی الارضِ إلا بِحَقّه: پس دیده‌ای در فضا گشاده و گامی‌آهسته در زمین نهاده نماند، جز آنکه در ترازوی داد و در محکمه عدل و داد حق تعالی، آن را که در خور است ستاند.»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

«عدل الهی» در مقام قضاوت یعنی خداوند هیچ عملی را هر چند ناچیز و کوچک باشد، از هیچ انسانی ضایع نمی‌کند. قرآن کریم دراین‌باره می‌فرماید: «وَ قضی بَینَهُم بِالقِسط وَ هُم لایُظلَمون (یونس/۵۴): میانشان به عدالت حکم شود و مورد ستم واقع نگردند.» و «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (انبیاء/۴۷): ترازوهای عدالت را در روز رستاخیز می‌نهیم. به احدی هیچ ستمی نخواهد شد و اگر هم‌وزن دانه خردل باشد، آن را می‌آوریم. این بس که ما حساب‌گر هستیم.»

مؤلفهٔ چهارم: جزادهی

عدل جزائی در جایگاه صفت خداوند، به معنای آن است که باری‌تعالی در مقام پاداش و کیفر بندگان خویش، جزای هر انسانی را متناسب با اعمالش مقرر می‌کند. چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: «فَالیَوم لاتُظلَمُ نَفسٌ شیئاً وَ لاتُجزَون الّا مَا کُنتُم تَعلَمون (یس/۵۴): آن روز به کسی ستم نمی‌شود و جز همانند کاری که کرده‌اید، جزا نمی‌بینید.»

در آیات متعدد دیگری نیز بر تناسب نوع عمل انسان و جزای اخروی وی تأکید شده است. حتی در برخی از آیات، با رویکردی کلان، بر اضافاتی چون جزاء الکافرین (بقره/۱۹۱، توبه/۲۶)، جزاء الظالمین (مائده/۵۹)، جزاءالمحسنین (مائده/۸۵)، جزاء بما کانوا یکسبون (توبه/۸۲) و ... تأکید می‌کند.

جزادهی نسبت به اعمال انسان به موضوع جبر و اختیار مربوط می‌شود و این بحث، خود به خود بحث «عدل» را به میان می‌آورد. زیرا رابطهٔ مستقیمی‌است میان اختیار و عدل از یک سو، و جبر و نفی عدل از سوی دیگر. یعنی تنها در صورت اختیار است که تکلیف و پاداش و کیفر عادلانه، مفهوم و معنی پیدا می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۱۸)

۲- تفاوت‌های جنسیتی از منظر عدل الهی

به طور کلی، فلسفهٔ اختلاف و تفاوت در آفرینش موجودات، از مباحث مهم و سؤال برانگیز در ارتباط با عدل الهی می‌باشد. در رویکرد فلسفی به «عدل الهی» گفته می‌شود: «اختلاف آفریده‌گان در بهره‌های وجودی، لازمهٔ نظام آفرینش و تابع قوانین علی و معلولی حاکم بر آن است و فرض یکسان بودن همهٔ آنها پندار خامی‌است. اگر اندکی دقت کنیم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

خواهیم دانست که چنین فرضی مساوی با ترک آفرینش است. زیرا اگر مثلاً همهٔ انسان‌ها مرد یا زن بودند، توالد و تناسلی انجام نمی‌گرفت و نسل انسان منقرض می‌گردید. مانند آنکه اگر همهٔ مخلوقات انسان بودند، در چرخهٔ تأمین خوراک و نیازمندی‌ها نقص ایجاد می‌شد. و نیز اگر همهٔ حیوانات یا نباتات یک نوع و یک رنگ و دارای خواص یکسان می‌بودند، این همه فواید بی‌شمار و زیبائی‌های خیره‌کننده پدید نمی‌آمد.»(مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ص۱۶۴)

لذا لازمهٔ نظام‌مند بودن کل هستی، وجود مراتب و درجات متفاوت در آن است و این امر، منشأ پیدایش تفاوت‌ها می‌باشد. همچنین نظام هستی با مجموعه‌ای از روابط علی و معلولی خلق شده، که هر یک از انواع موجودات در آن از جایگاه أحسن و ویژهٔ خود برخوردارند. قرآن کریم در ترسیم این جایگاه می‌فرماید: «ألذی أحسَنَ کُلَّ شیءٍ خَلقَه (سجده/۷): آنکه هرچه را آفرید، به نیکوترین وجه آفرید.» همچنین به تصریح قرآن کریم، هر شیء و پدیده در جهان هستی، مقام و مرتبهٔ خاصی دارد: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر/۴۹): ما همه چیز را با اندازه و قدر مشخص آفریده‌ایم.»

باید گفت؛ وجود تفاوت میان موجودات، کثرت و تنوع ایجاد می‌کند و به این صورت، به وجود مجموعه یا نظام معنا می‌دهند. قرآن کریم، این تفاوت‌ها را اعم از آنکه در الوان، شب و روز، زبان‌ها، انسان‌ها و... باشد، از آیات و نشانه‌های قدرت حکیم و حاکم لایزال برشمرده، می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالِمِينَ (روم/۲۲): و از نشانه‌های قدرت او آفرینش آسمانها و زمین، و اختلاف زبان‌ها و رنگهای شما آدمیان است. در این امر، عبرت‌هایی است برای دانایان.» و «وَ مَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (نحل/۳۳): در زمین چیزهایی با رنگهای گوناگون آفرید، در این امر، عبرتی است برای مردمی‌که پند می‌گیرند.»

اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که مجموعهٔ جهان را به صورت یک تابلوی کامل و زیبا درآورده است، اختلاف‌های ذاتی است. پست‌ها و موقعیت‌هایی که در آفرینش برای موجودات، معین شده است، مانند پست‌های اجتماعی نیست که قابل تبدیل و تغییر باشد. این پست‌ها نظیر خواص اشکال هندسی، ذاتی موجودات است(مطهری، ۱۳۷۲: ص۱۴۶).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

برای شکل‌گیری نظام اجتماعی انسان‌ها نیز، وجود استعدادهای مختلف لازم و ضروری است و اگر همه انسان ها از شرایط کاملاً یکسانی برخوردار باشند، آنگونه که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند، امکان رفع نیازهایشان وجود ندارد و به نابودی کشیده می‌شوند. ایشان می‌فرمایند: «لایزال الناس بخیر ما تفاوتوا و اذا استووا هلکوا؛ تا مردم با هم متفاوتند در خیر و رفاه‌اند ولی هنگامی‌که یکسان شوند هلاک می‌شوند.»(به نقل از: اصفهانی، ۱۴۰۶ق، ج۱۴: ص۱۶۵)

«جنسیت» به عنوان یکی از اساسی‌ترین وجوه تمایز موجودات، در میان انسان‌ها تنها جنبه‌ای عارضی و جسمی‌نبوده، در بسیاری از شئون حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی بشر تأثیرگذار است و به این سبب، دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در تحلیل مناسبات انسان‌ها می‌باشد. اولین گام در این تحلیل که در زمرهٔ مبانی و فلسفهٔ حقوق اسلامی‌است[۱]؛ تحلیل جنسیت از منظر عدل الهی است. در این مجال، در دو بخش «جنسیت و عدالت تکوینی» و «جنسیت و عدالت تشریعی» به این مبحث پرداخته خواهد شد.

۲-۱- جنسیت و عدالت تکوینی

بحث «جنسیت و عدالت تکوینی» در بدو امر، از همان قواعد حاکم بر آفرینش موجودات از منظر عدل الهی پیروی می‌کند. چرا که «جنسیت» نیز تمایزی است مانند دیگر تفاوت‌های عارضی موجودات در نظام خلقت. همانگونه که پیش از این نیز ذکر شد، عدل الهی در نظام تکوین، رعایت قابلیتها در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه و رحمت الهی به آنچه امکان وجود یا کمال دارد، می‌باشد. بطوریکه هر موجودی، هر درجه از وجود که استحقاق آن را دارد دریافت می‌کند. لذا موجودات در نظام هستی از نظر قابلیتها و امکان دریافت فیض از مبدأ هستی با یکدیگر متفاوتند، هر موجودی در هر مرتبه‌ای که هست، از نظر قابلیت استفاضه، استحقاقی خاص به خود دارد.(مطهری، ۱۳۷۲: ص ۵۷)

صاحب المیزان در تحلیل جایگاه «جنسیت» در نظام تکوین می‌فرماید: «مشاهده و تجربه گواه هستند که مرد و زن دو فرد از یک نوع با جوهری واحد هستند که همان انسان باشد،

۱. استاد مطهری: «علمای اسلام با تبیین و توضیح اصل عدل، پایهٔ فلسفهٔ حقوق را بنا نهاده‌اند. (مطهری، ۱۳۷۸: ص ۱۳۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

چون جمع آثاری که در صنف مردان دیده می‌شود، در صنف زنان نیز بدون تفاوت دیده می‌شود و ظهور آثار نوعی دلیل بر تحقق موضوع در هر دو است. البته اختلاف به ضعف و شدت در بعضی آثار مشترک دیده می‌شود، لکن چنین اختلافی وحدت نوعی را بهم نمی‌زند.» (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج۴، ص ۸۹)

در آیاتی از قرآن کریم که به موضوع خلقت انسان و دمیدن روح و سجدهٔ ملائکه بر او اشاره دارند، از واژگان «آدم» (اعراف/۱۱) و «انسان» (حجر/۲۷، ملک/۱۹، حج/۵، مؤمنون/۱۲، یس/۷۷) استفاده شده است که به بشر صرف‌نظر از جنسیت او بازمی‌گردد. لذا هر یک از انسان‌ها اعم از زن و مرد، علیرغم تفاوت‌های متعددی که در عوارض جسمی‌و روانی در راستای ایفای نقش‌های مختلف و مکمل با یکدیگر در نظام خلقت دارند[۱]، متناسب با استحقاق و قابلیت وجودی خویش، از رحمت الهی در دریافت وجود بهره‌مند می‌شوند. استاد مطهری در بحث از «راز تفاوت‌ها» آورده است: «آنچه با عدل و حکمت الهی ناسازگار است و می‌تواند مصداق ظلم محسوب شود، تبعیض است نه تفاوت، و آنچه در جهان وجود دارد تفاوت است نه تبعیض. «تبعیض» آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان، بین اشیاء فرق گذاشته شود، ولی «تفاوت» آن است که در شرایط نامساوی، فرق گذاشته شود. به عبارت دیگر تبعیض از ناحیهٔ دهنده است و تفاوت، مربوط به گیرنده.»(مطهری، ۱۳۷۲: ص ۱۰۱)

۲-۲- جنسیت و عدالت تشریعی

جنسیت در جایگاه امری تکوینی، به طور گسترده حقوق و تکالیف متفاوتی را برای هر یک از زن و مرد رقم می‌زند[۲] و به همین دلیل، موجب سؤال یا ایجاد شبهه در فهم تفاوت‌های جنسیتی از منظر عدل الهی می‌شود.

از مبادی بحث پیرامون موضوع «جنسیت و عدالت تشریعی»، تبیین تأثیر جنسیت بر ارزشمندی انسان در پیشگاه حق‌تعالی می‌باشد. در این راستا لازم است جهان‌بینی اسلام و نظام

۱. برای مطالعهٔ مشروح تفاوت‌های جسمی و روانی زن و مرد از دیدگاه اسلام، ر.ک: «زیبایی نژاد، محمدرضا، هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات)، ۱۳۸۸، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.»

۲. برای مطالعهٔ مشروح تفاوت‌های زن و مرد در حقوق و تکالیف از دیدگاه اسلام، ر.ک: «بستان، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ۱۳۸۸، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

ارزشی آن را به درستی شناخت.[1]

ارزشها از نظر اهمیتی که دارند، یکسان نبوده و در مجموعه‌ای جای دارند که «نظام ارزشی» نامیده می‌شود. هر نظام ارزشی، مجموعه‌ای از ارزشها است که بر پایه‌ای از مبانیِ مورد وثوق نظام و به طور عام، جهان بینی آن؛ بر اساس اهمیت نسبی، مرتب شده و در یک بنای پلکانی نظم می‌یابند. نظام ارزشی دین اسلام، بر جهان بینی وحیانی استوار است. یعنی مبتنی بر صدور تمامی‌انواع ارزش ها از منبعی الهی است. همچنین، دیدگاهی توحیدی بر این جهان‌بینی حاکم است. به این معنا که؛ این دیدگاه، جهان را «یک قطبی» و «تک محوری» ترسیم می‌کند و برای جهان ماهیت «از اوئی» و «به سوی اوئی» قائل است.(مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ص۷۲)

جایگاه «جنسیت» در نظام ارزشی اسلام، با عنایت به آیات شریفهٔ قرآن کریم و فرمایشات ائمهٔ طاهرین﵈ تعیین می‌شود. خداوند تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَ أُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات/۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.»

«جنسیت» در این فرمودهٔ حق تعالی؛ مانند تفاوت در ملل و قبائل ترسیم شده و فحوای آیهٔ شریفه، دربردارندهٔ نگاه عارضی به تمامی اعتباراتی چون قومیت، نژاد، رنگ و جنسیت و... است. این نگاه، از یک سو هرگونه تبعیض مبتنی بر این گونه اعتبارات را از میان می‌برد (نهج البلاغه، خطبه‌های ۱۵۲، ۱۹۲ و ۱۹۸)، و بدین وسیله ناهنجاری‌های گوناگون و شکاف‌های اجتماعی معلول این امور را برطرف می‌سازد و موجب وحدت، اتحاد، و تقویت انگیزه‌ها می‌شود، و از سوی دیگر زمینهٔ رقابت و مسابقه در کسب فضایل و پاکی‌ها را فراهم می‌سازد، و چون تقوا فقط به امور فردی مربوط نیست بلکه، هر ساحت و زمینه‌ای (اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری،...) تقوای متناسب خود را طلب می‌کند، قویترین و بهترین ضامن اجرایی برای اصلاح، مراقبت و پیشرفت فردی و جمعی در اسلام وجود دارد.

۱. برای مطالعهٔ بیشتر پیرامون جایگاه جنسیت در نظام ارزشی اسلام، ر.ک: «کاردوانی، راحله، واکاوی ارزش‌های جنسیتی زن در دیدگاه مکمّلی اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

آموزه‌های قرآنی دیگری نیز به وفور بر برابری ارزش انسانی زن و مرد تصریح کرده‌اند. آیاتی که زن و مرد را از یک جنس (نساء/۱)، در زمرهٔ صاحبان اندیشه و برخوردار از نتیجهٔ اعمال صالح و مستحق حیات طیبه و بهشت جاویدان می‌دانند (آل عمران/۱۸۹– ۱۹۵، نساء/۱۲۴ ، نحل/۹۷، غافر/۴۰ و ...)، در کنار فرازهایی که مردان و زنان مؤمن را یاوران هم و مسئول گسترش دین می‌شمارند (توبه/۷۱)، و آنان را دارای مسئولیت مشترک و دشمن مشترک می‌دانند (بقره/۳۵، اعراف/۱۸–۲۲، طه/۱۱۷–۱۲۱)؛ جایگاه مساوی زن و مرد را در نزد پرودگار نشان می‌دهند. برخی از آیات قرآن نیز در نشان دادن جایگاه زنان پای را فراتر می‌نهند و برخی از زنان را اسوه‌ای مثال‌زدنی برای تمام انسان‌ها از جمله مردان می‌شمارند.(تحریم/۱۱)

همچنین در حدیثی از امام معصوم علیه‌السلام نقل شده است که فرموده‌اند: «المرأةّ الصَّالِحَةّ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ (الحرالعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۲: ص۱۷۲)؛ یک زن صالحهٔ شایسته، بهتر است از یک هزار مرد ناصالح.» این روایت با طرح عدد کثرت؛ در پی اثبات برتری و شایستگی، به واسطهٔ میزان عمل صالح افراد و عدم تأثیر جنسیت بر برتری انسانها بر یکدیگر می‌باشد.

نتیجه آنکه در نظام ارزشی اسلام؛ «جنسیت» که به ساحت جسم انسان اشارت دارد، به مثابهٔ ابزاری در خدمت انسانها و در راستای تحقق هدف غاییِ خلقت آنان می‌باشد. از این رو میزان ارزشمندی انسانها در این دیدگاه، وابسته به میزان اعمال آنها در ترازوی تقوا، ایمان و عمل صالح است.

جایگاه عارضیِ جنسیت در رویکرد اسلامی؛ به مفهوم مشابهت کامل نظام ارزشی مردانه و زنانه نمی‌باشد. ارزشهایی در دین اسلام وجود دارند، که تأثیر جنسیت بر پاره‌ای از مطلوبیت-های تصریح یا توصیه شده برای دو جنس مذکر و مؤنث را عیان می‌سازند. برای مثال در نظام ارزشیِ اسلام، «مادری»، که مجموعه ای از صفات و وظایف را شامل می‌شود؛ می‌توان به این وسیله، یک ارزش جنسیتی برای زن به شمار آورد. زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی خطاب به امّ سلمه؛ برای مراحل مختلف مادری اعم از بارداری، زایمان و شیردهی، ارزشی برابر با جهاد در راه خدا بیان فرموده‌اند(همان، ج۲۱: ص۴۵۹). و نیز «کسب روزی حلال» از این دسته ارزشهای جنسیتی برای مردان دانسته شده است. از حضرت صادق علیه‌السلام روایتی در این باب وارد شده که فرموده‌اند: «الكادّ على عياله كالمجاهد في سبيل اللّه؛ ثواب کسی که به زحمت و ریاضت، تحصیل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

معاش کند از برای خود و عیال خود، برابر ثواب کسی است که جهاد کند در راه خدا.»(الامام جعفربن محمدالصادق علیه‌السلام، ۱۳۷۷: ص۹۴)

بر این اساس و تعاریفی که از عدل الهی ارائه شد، باید گفت؛ تناسب ملاکات ارزشمندی اعمال زن و مرد بر مبنای جنسیت، با تفاوت‌های تکوینی آنها، در واقع همان تضمین تحقق عدالت تشریعی می‌باشد. آنچه خداوند برای زن و مرد ارزشمند دانسته، متناسب با ظرفیت‌ها و استعدادهای طبیعی است که در درون هر یک آنها به ودیعه نهاده است. و این تناسب و هماهنگی است که ضامن تحقق عدل الهی می‌باشد.

برای فهم رابطهٔ جنسیت و دیگر مؤلفه‌های عدالت تشریعی یعنی تکلیف، قضاوت اعمال و جزادهی، از یک سو می‌بایست به آیات فراجنسیتی بیان شدهٔ پیشین توجه کرد. در تمامی‌این آیات، نوع انسان‌ها مورد خطاب شارع قرار گرفته‌اند و یا احکام کلی، فارغ از جنس و صنف خاصی بیان شده‌اند. از سوی دیگر، این رابطه بر مبنای مختصات کلی نظام حقوقی اسلام به ویژه با لحاظ ملاک «جنسیت»، فهم می‌شود. این مختصات عبارتند از:

الف) جامعیت

جامعیت نظام حقوقی اسلام، به دلیل توجه به تمامی‌ابعاد وجود انسان و نیازها و استحقاق-های وی می‌باشد. به ویژه در آیات شریفهٔ قرآن کریم و دیگر منابع فقه امامیه، گسترهٔ وسیعی از حقوق و تکالیف انسان در جایگاه‌های متفاوت در نهاد خانواده مانند همسر، مادر، پدر و فرزند؛ بیان گردیده است که ضامن تحقق عدالت تشریعی در ساحت ابلاغ تکالیف و حقوق انسان‌ها می‌باشد.

ب) انسجام و هماهنگی

عدم وجود تناقض در میان اجزاء نظام و هماهنگی با واقعیت خارجی، که این نظام برای آن پدید آمده است، انسجام و هماهنگی نظام حقوقی اسلام را تحقق می‌بخشد. یعنی قواعد مختلف نظام حقوقی اسلام در درون سیستم حقوقی با یکدیگر سازگار هستند و علاوه بر آن، مجموعهٔ نظام با زیربنای آن (یعنی جهان بینی اسلامی) و هم با سایر نظام های فردی و اجتماعی اسلام به دلیل استواری همهٔ آنها بر یک جهان بینی واحد، هماهنگ است.(دانش پژوه و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

شاهی،۱۳۸۳: ص۸۸)

ج) تلازم حق و تکلیف

تلازم حق و تکلیف از اصول بسیار مهم و بنیادین در مکانیسم نظام حقوقی اسلام می‌باشد. تلازم حق و تکلیف به این معناست که؛ «میان حق و تکلیف ملازمه وجود دارد». یعنی هرجا سخن از حق می‌شود، تکلیفی هم در مقابل آن هست. (جوادی آملی،۱۳۸۵: ص ۲۵۵) هنگامی‌که حق در برابر تکلیف و در تلازم با آن مطرح می‌شود؛ مفهومی‌خاص می‌یابد. حق در این جایگاه، چیزی است که به نفع فرد و بر عهدهٔ دیگران است؛ و تکلیف، آن است که برعهدهٔ فرد و به نفع دیگران است. تلازم حق و تکلیف اقتضا می‌کند که؛ هر انسانی در مقابل هر حقی که به نفع اوست، مسئولیتی بر عهده داشته باشد.

چگونگی رابطهٔ حق و تکلیف در هر نظام، ارتباط ناگسستنی با مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی و انسان شناختیِ آن نظام دارد. در نظام اسلامی، معرفت از هستی مبتنی بر منبعی وحیانی است و هویت و چیستی انسان، بدون ارتباط با خدا، قابل تبیین و تفسیر نیست. بلکه انسان با توجه به حقیقت مطلق قابل تعریف است و جایگاه خویش را پیدا می‌کند. (همان: ص۱۳۵) در نظام حقوقی اسلام؛ منبع و منشأ حق و تکلیف همان منبع احکام و تعالیم دین یعنی؛ کتاب، سنت، عقل و اجماعِ کاشف از نقل می‌باشد و همه حاکی از ارادهٔ الهی‌اند.

بنابراین، از اصل بنیادین تلازم حق و تکلیف و با توجه به چگونگی ارتباط آنها در نظام اسلام، می‌توان نتیجه گرفت؛ در فهم نظام حقوقی اسلام، مجموعهٔ حقوق و تکالیف را باید ملازم با یکدیگر مورد نظر قرار گیرد و صدور حقوق و تکالیف را تنها از منبع وحیانی و یا با هدایت آن، می‌توان برای انسانها پذیرفت.

د) تناسب هویت و حق

یک اصل اساسی در درک مفهوم حق، آن است که؛ «حق هر موجودی، متناسب با هویت آن موجود است.» (همان: ص ۳۵) توضیح آنکه؛ اگر برای هر یک از جمادات، حیوانات، انسان‌ها و حتی خداوند حقی لحاظ شود؛ هر یک متناسب با هویت و سنخ ماهیت آنها بوده و با یکدیگر متفاوت هستند. چون ذات و هویت این موجودات با هم تفاوت دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

بنابراین، در نظام حقوقی اسلام، یکی از اصول پذیرفته شده آن است که تشریع حق، برخاسته از ذات و هویت انسانی است و به همین خاطر؛ زن و مرد ابتدائاً، به دلیل اشتراک در این هویت انسانی، دارای سلسله حقوق مشترک انسانی بوده و تفاوتهای حقوقی آن دو، فرع بر این همانندی است. بنابراین هر حق یا تکلیف جنسیتی که ناقض شأن انسانیت و همچنین حقوق الهی انسان باشد، در نظام حقوقی اسلام قابل قبول نمی‌باشد.

ه) واقع‌نگری

از جمله مسائل بنیادین دیدگاه اسلام د رمورد «جنسیت»، پذیرش تفاوتهای طبیعی دو جنس و تعیین حقوق و تکالیف بر مبنای این پذیرش است. این نگاه به زن و مرد؛ مبیّن حاکمیت ویژگی «واقع نگری» بر نظام حقوقی اسلام است. زیرا در این نظام، بر مبنای واقعیات وجودیِ افراد؛ اقدام به تعیین حقوق و تکالیف شده است. از این رو می‌توان گفت «واقع نگری» مهمترین پشتوانهٔ تحقق عدالت تشریعی توسط یک نظام حقوقی در رابطه با مناسبات دو جنس می‌باشد.

براساس ویژگی‌های بیان شده از نظام حقوقی اسلام و جایگاه جنسیت در آن، روشن می‌شود که قوانین، حقوق و تکالیف وضع شده در چارچوب نظام حقوقی اسلام، بر اساس پذیرش تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و مطلوبیت تأثیر آنها در گسترهٔ حقوق و تکالیف فردی، اجتماعی و خانوادگی می‌باشد. لذا می‌توان اذعان داشت، در اندیشهٔ اسلامی، نظام تکوین، نظام ارزش‌گذاری و نظام قانون‌گذاری، هماهنگ و مرتبط با یکدیگر بوده و به همین دلیل، برابری نقش‌ها، حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد مورد تأیید این دیدگاه نمی‌باشد و این عدم همسانی، امکان تحقق مؤلفه‌های عدالت تشریعی را فراهم می‌سازد. زیرا از یک سو حق تعالی تکلیف را متناسب با توانایی و ظرفیت تکوینی فرد بر عهدهٔ وی ابلاغ می‌فرماید و از سوی دیگر انجام یا ترک همین تکالیف ابلاغ شده بر مبنای جنسیت را ملاک قضاوت و جزادهی قرار می‌دهد.

۳- نتیجه‌گیری

در بیان نتایج این پژوهش به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱- عدالت در تمام شئون حیات و هستی انسان، و شاید باید گفت: در گسترهٔ کلی آفرینش چه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

در عرصهٔ تکوین و چه در میدان تشریع، اساس، مبنا، میزان و قاعده است.

۲- در تعریف دقیق عدل، رعایت قابلیت‌ها، شایستگی‌ها یا ظرفیت‌ها نهفته است. مقتضای عدالت، الغای تفاوت‌ها نیست، بلکه رعایت استحقاق‌ها است.

۳- یکی از شاهکارهای خلقت، اختلاف طبیعی افراد و تفاوت استعدادهای آنهاست. بر این اساس، مساوات حقیقی آن است که امکانات مساوی برای همهٔ افراد، در همهٔ زمینه‌ها فراهم باشد و میدان برای همه به طور مساوی باز باشد تا هرکس در پرتو لیاقت و استعداد و فعالیت خود به کمال لایق خود برسد.

۴- در اندیشهٔ اسلامی، نظام‌های ارزشی و نظام حقوقی، هم‌سو با نظام تکوین طراحی شده‌اند.

۵- در نظام ارزشی اسلام؛ «جنسیت» که به ساحت جسم انسان اشارت دارد، به مثابهٔ ابزاری در خدمت انسانها و در راستای تحقق هدف غاییِ خلقت آنان می‌باشد. از این رو میزان ارزشمندی انسانها در این دیدگاه، وابسته به میزان اعمال آنها در ترازوی تقوا، ایمان و عمل صالح است.

۶- در تحلیل تفاوت‌های جنسیتی از منظر عدل الهی لازم است از مفهوم مکملیّت بهره گرفت. مکملیّت در دو مرتبه کانون توجه قرار می‌گیرد: مکملیّت در خلقت؛ بدین معنا که خداوند تمام موهبت‌ها را به یک صنف اعطا نکرده است و همین امر ایجاد جذبه و پیوند را میان دو جنس فراهم می‌کند و مکملیت در نقش‌ها؛ به این معنا که نقش‌های متفاوتی برای زن و مرد طراحی شده که مناسب با توانمندی‌های طبیعی آنان و تکمیل کنندهٔ نقش‌های طرف مقابل است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.55.3.7]

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ۱۴۱۴ق، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

۲. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغهٔ، ۱۴۰۴ق، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳. اصفهانی، محمدتقی، روضهٔ المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ۱۴۰۶ق، قم: مؤسسه فرهنگی کوشانپور، چاپ دوم.

۴. الامام جعفربن محمدالصادق(ع)، مصباح الشریعه، ترجمهٔ عبدالرزاق بن محمدهاشم گیلانی، ۱۳۷۷، تهران: پیام حق.

۵. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، ۱۳۸۵، قم: نشر إسراء، چاپ دوم.

۶. الحرّ العاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام.

۷. دانش پژوه، مصطفی و شاهی، خسرو، فلسفه حقوق، ۱۳۸۳، قم: مرکز انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق، بیروت: دار العلم.

۹. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۶، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۰. طباطبائی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ۱۳۸۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۱۴۱۰ق، قم: نشر هجرت.

۱۲. فرشادفر، عزت اله، عدالت در نهج البلاغه، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

۱۳. قرائتی، محسن، توحید، عدل، عدالت اجتماعی، بی‌تا، تهران: صبا.

۱۴. واسطی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ق، بیروت: دارالفکر للطباعهٔ و النشر و التوزیع.

۱۵. محمدی ری شهری، محمد، عدل در جهان‌بینی توحیدی، ۱۳۹۰، قم: دارالحدیث، چاپ چهارم.

۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید(دورهٔ کامل سه جلدی)، ۱۳۷۸، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم.

۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن (ج۱)، ۱۳۷۶، قم، مؤسسهٔ پژوهشی امام خمینی(ره).

۱۸. مطهری، مرتضی، عدل الهی، ۱۳۷۲، تهران: صدرا، چاپ هفتم.

۱۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (ج ۱۹)، ۱۳۷۸، تهران: صدرا.